

ما اکثر العبر و اقل الاعتبار روحیه عبرت‌پذیری را نهادینه کنیم

امور محروم‌اند. چنین افرادی در زندگی خود با تنگناهای بسیار رو به رو خواهند شد. از این میان، بهترین حالت آن است که فرد در عین داشتن بینایی، به ظاهر امور اکتفا نکند و به هر نحو که می‌تواند باطن امور را نیز ببیند. باز از علی(ع) شاهد بیاوریم که در وصف اصحاب رسول خدا(ص) می‌فرماید: «حَمَلُوا بِصَائِرِهِمْ عَلَيَّ اسِيَّافَهُمْ»؛ یعنی آنان بصیرت‌ها و اندیشه‌های روشن خود را روی شمشیرهایشان حمل می‌کردند. در واقع، می‌گویند آن‌ها می‌دانستند که از شمشیر خود چه وقت استفاده کنند تا عملشان مصداق جهاد در راه خدا باشد، که اگر چنین نمی‌کردند، بینش الهی نداشتند و با سربازان مزدوری که در خدمت پادشاهان و امپراتوران ستمگر بودند، تفاوت نمی‌کردند. باری، علی(ع) در جمله‌ای که عنوان این

دو کلمه داریم که از یک ریشه‌اند و هر دو بر نگاه و بینایی دلالت دارند، اما میان آن دو فاصله بسیار است. این دو کلمه عبارت‌اند از: بصر و بصیرت. امیرالمؤمنین فرموده است: «فقد البصر اهون من فقد البصيره»: چشم نداشتن قابل تحمل‌تر است از بصیرت نداشتن. شاید از همین جمله، تفاوت میان بصیر و بصیرت، یا بینایی و بینش را دریافت کردید. با این حال، توضیح بیشتری می‌دهیم.

بصر به معنای چشم و باصره به معنای بینایی است. ممکن است کسی چشم نداشته باشد و در عین حال از قوه تعقل و قدرت تشخیص و منطق روشن برخوردار باشد. چنین کسی بصیرت دارد، اگر چه بصر ندارد. همچنین، بسیاری از انسان‌هایی که با وجود داشتن نعمت بینایی، از داشتن بصیرت در

مایه‌های عبرت چه بسیارند و عبرت‌پذیران چه اندک!

(نهج‌البلاغه، حکمت ۲۹۷)

از شکست و هم از پیروزی دوست یا دوستانش در هر کاری عبرت بگیرد و رفتار خود را تغییر دهد. در اینجا، آنچه مهم است، نقش معلمان در آموزش دانش‌آموزان به عبرت‌گیری است؛ حتی بدون اینکه از این عنوان یا تعبیر استفاده کنند. آموزش تفکر منطقی، چه به صورت نظری و چه در عمل، بیان سرگذشت مردان و زنان بزرگی که شکست از پی شکست را تجربه کرده و سرانجام موفق شده‌اند، تشویق دانش‌آموزان خلاقیتی که هیچگاه ناامید نمی‌شوند و پیوسته در پی نوآوری هستند، به‌ویژه با عبرت گرفتن از شکست‌هایشان، و بسیاری نمونه‌های دیگر، روحیه عبرت‌پذیر شدن و دانش و بینش پیدا کردن را در دانش‌آموز نهادینه می‌کند. والسلام

نوشتار است، می‌فرماید: «ما اکثر العبر و اقل الاعتبار». و این سخن عمیق و قابل تأمل است و قابل تعمیم به بسیاری از امور زندگی، از ساده‌ترین آن‌ها تا بزرگ‌ترین آن‌ها. عبرت گرفتن از امور بسیار قابل مقایسه است با بصر و بصیرت که بدان اشاره کردیم. عبرت گرفتن یعنی واقعه خوب یا بدی را دیدن و از آن نتیجه مطلوب گرفتن در کارهای خود. این کار ساده‌ای نیست و تنها به گفتن و توصیه کردن انجام نمی‌گیرد، بلکه احساس و اندیشه و زمینه عمل می‌خواهد. مدرسه، از آنجا که محل آموزش است، جایگاه مناسبی برای آموزش عبرت‌گیری نیز هست. باید دانست که معنای عبرت گرفتن وسیع‌تر از ترسیدن از وقایع و حوادث ناگوار است، بلکه ترغیب شدن به انجام امور خوب و موفق نیز هست. دانش‌آموز می‌تواند هم